

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

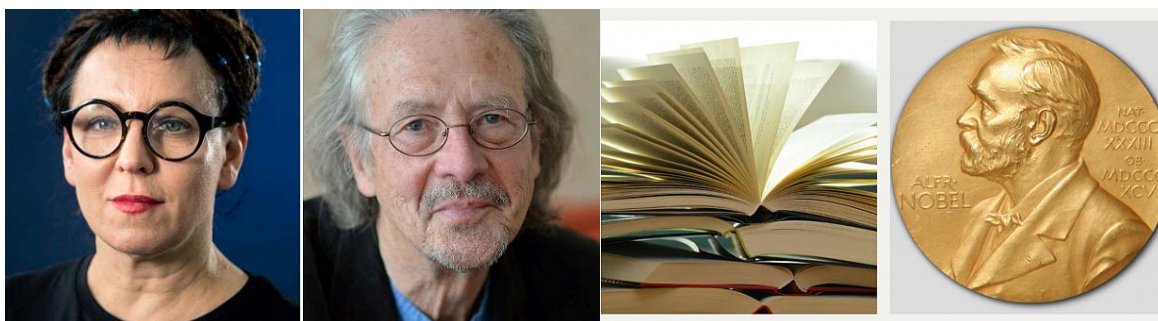
Political

سیاسی

بهرام رحمانی  
۱۵ اکتوبر ۲۰۱۹

## انتقادهای به اعطای نوبل ادبیات به الگا توکارتسوک و «پتر هاندکه»!

سرانجام بعد از یک سال وقفه، کمیته نوبل برندگان نوبل ادبی در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ را به طور هم زمان در روز پنجشنبه ۱۰ اکتبر - ۱۸ مهر اعلام کرد. کمیته ادبی آکادمی نوبل، به دلیل اتفاقاتی که در سال ۲۰۱۸ برایش افتاد، فرصتی غیرمعمول داشت تا هم زمان دو نویسنده را به عنوان برندگان دو سال انتخاب کند.



آکادمی سویدن نوبل ادبیات در سال ۲۰۱۸ را به الگا توکارتسوک نویسنده پولندی و نوبل ادبیات در سال ۲۰۱۹ را به پتر هاندکه، نویسنده اتریشی اهدا کرد. سال گذشته به دلیل رسوائی در آکادمی نوبل، جایزه نوبل ادبی به نویسنده ای اهدا نشد. به همین سبب در سال جاری دو نویسنده به طور هم زمان مهم ترین جایزه ادبی جهان را دریافت کردند.

آثار این دو نویسنده در تضاد با یکدیگر قرار دارند و انتخاب آن ها نشان دهنده تضادها و تفرقه هائی است که این روزها نزاع های ایدئولوژیک میان ملی گراهای راست افراطی، نئونازی ها، ضدفاشیست ها و جهان بینی ها در سراسر اروپا و جهان ایجاد شده است.

آثار توکارچوک بر به چالش کشیدن سرپوش گذاری های ملی گراها در سرکوب های تاریخی تمرکز دارد در حالی که هاندکه جنگ های ناسیونالیستی را تقدیس کرده است!

الگا توکارتسوک نویسنده و روانشناسی یکی از مهم ترین نویسندگان ادبیات معاصر پولند به شمار می آید. او پس از نوشتن رمان هائی به نوشتن جستارهای غیر داستانی و قطعات ادبی با یک سوپیه روائی روی آورد. «نآرامی»، مجموعه ای از این نوشته ها مهم ترین اثر او به شمار می آید.

توکار تسوک سال ۱۹۶۲ در سولشوف پولند به دنیا آمد. والدین او هر دو معلم بودند. پدرش مسؤول کتاب خانه مدرسه هم بود و در همان کتاب خانه بود که توکار تسوک به علاقه اش به ادبیات پی برد و کتاب از دستش نمی افتاد. توکار تسوک نخستین کتابش را که مجموعه شعر است در سال ۱۹۸۹ منتشر کرد که چند سال بعد با استقبال منتقدان رو به رو شد زمانی که نخستین رمانش «The Journey of Book-People» که داستانی خیالی درباره شخصیت هائی است که به دنبال کتابی راز آمیز در پیرنه هستند و در قرن هفدهم فرانسه و اسپانیا روی می دهد. این اثر جایزه ناشران پولند را برای نویسنده ای نوقلم برای توکار تسوک به ارمغان آورد.

اما نقطه تحول حرفه ادبی اش با نگارش سومین رمانش، «باستانی و دیگر دوره ها» (۱۹۹۶) رقم خورد. این کتاب داستان سه نسل از خانواده ای پولندی را از سال ۱۹۱۴ تا آغاز شکل گیری «اتحادیه همبستگی سولیدارنو شچروایت» در سال ۱۹۸۰ روایت می کند.

سال ۲۰۱۸ او نخستین نویسنده پولندی نام گرفت که جایزه من بوکر بین المللی را برای رمان «پروازها» که با ترجمه جنیفر کرافت در امریکا منتشر شده است، به دست آورد. کرافت درباره این رمان گفته بود: «اثر توکار تسوک جهانی است و در عین حال شدیداً پولندی است.» «پروازها» مجموعه ۱۱۶ اثر ادبی کوتاه درباره شخصیت هائی است که در حال جا به جایی هستند یا مهاجرت کرده اند. جامعه ادبی این اثر را پادزهری ادبی نامید که انزوای فرهنگی، بیگانه هراسی و ملی گرایی را التیام می بخشد.

توکار تسوک در این کتاب می نویسد: «سیالیت، پویایی، غیرواقعی بودن؛ این ها دقیقاً ویژگی هائی است که ما را متمدن کرده اند. بربرها سفر نمی کردند. خیلی ساده مقصدی را برای بازدید انتخاب می کردند یا به منطقه ای یورش می بردند.»

وی در گفت و گویی با تایمز، گفته بود نوشتن این رمان را بیش از یک دهه قبل شروع کرده بود؛ پیش از برگزیت و اقدامات ملی گرایانه ای که سراسر اروپا را در بر گرفته است: «وقتی این کتاب را نوشتم که جهان به دنبال راهی می گشت تا پذیرای همه باشد. حالا می بینیم که چه طور اتحادیه اروپا با سیاست کشورهای مثل پولند و مجارستان که بار دیگر مسأله مرزها برایشان حایز اهمیت شده است، ضعیف خواهد شد.»

هم چنین وی به سیاست های مهاجرتی ایالات متحده امریکا اشاره کرده بود: «دوازده سال پیش هیچ اشاره ای به دیوار یا مرز نمی شد که البته از ابتدا این مفهوم را نظام های استبدادی اتخاذ کردند. باید اعتراف کنم که در آن زمان مطمئن بودم تمامیت خواهی پیش روی ماست.»

توکار تسوک را در پولند، چهره ای برجسته و صریح اللهجه می شناسند که مخالفتش با حزب «عدالت و قانون» راست گرا زبان زد است. انتشار رمان «کتاب های یعقوب» که وقایع آن در قرن هجدهم و در پولند روی می دهد و نویسنده در آن تنوع نژادی این کشور را گرامی داشته است، با واکنش شدید گرایشات راست و نژادپرست رو به رو شد.

این کتاب جایزه مهم ادبیات پولند Nike Award را در سال ۲۰۱۵ برای توکار تسوک به ارمغان آورد. این کتاب با استقبال منتقدان و خوانندگان مواجه، اما با انتقاد شدید حزب های ملی رو به رو شد. حتی کار به جایی کشیده شد که برای آزار و اذیت توکار تسوک کمپین راه می انداختند و او را تهدید به قتل یا اخراج از کشور می کردند. اما در مقابل هاندکه، به دلیل طرفداری از نزاع های ملی و نژادی، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است.

بیست سال پیش از آن که پیتر هاندکه به عنوان برنده نوبل انتخاب شود، نویسنده دیگری او را برای مجموعه ای از عذرخواهی های دل سوزانه از حکومت نسل کشی اسلودان میلوشوویچ به عنوان «ابله بین المللی سال» خوانده بود.

هاندکه، به دلیل میراث اسلونیائی خودش در جنگ بالکان کاملاً موضع گیری ناسیونالیستی داشت، به صورت علنی گفته بود که مسلمانان سارایوو خودشان را قتل عام کرده اند و دارند صرب ها را سرزنش می کنند و نسل کشی سربرنیتسا را انکار کرد. او سال ۲۰۰۶ در مراسم خاک سپاری میلوشوویچ که به عنوان جنایت کار جنگی شناخته شد شرکت کرد.

دقیقا به خاطر همین دیدگاه های سیاسی جنجالی هاندکه، نامزدی او برای دریافت جایزه هایپریش هاینه در همان سال در نهایت ملغی شد. وقتی در سال ۲۰۱۴ او برنده جایزه بین المللی ایبسن شد هم اعتراض های عمومی شدیدی در اسلو شکل گرفت.

روز پنج شنبه گذشته پس از این که از وی به عنوان برنده جایزه ۹ میلیون کرون سویی (۹۱۵ هزار دلار) یاد شد، موجی از اعتراض ها به این انتخاب ایجاد شد.

هاری کونزو نویسنده در این باره گفت: «بیش از هر زمان دیگری ما نیاز به روشنفکران مردمی داریم تا بتوانند دفاع مستحکمی از حقوق بشر انجام دهند... هاندکه چنین شخصی نیست.»

وی افزود: «هاندکه انتخاب نگران کننده ای برای کمیته نوبل است، او نویسنده خوبی است، کسی که ترکیبی از بینش های بزرگ را با نابینائی های اخلاقی تکان دهنده در هم می آمیزد.»

کونزو گفت: «هاندکه باید نوبل را پیش از این که این حرف ها را به زبان می آورد و از نسل کشی حمایت کند می برد.»

اسلاوی ژبژک فیلسوف اسلونیائی و منتقد همیشگی هاندکه نیز گفت: «سال ۲۰۱۴ هاندکه خواستار لغو نوبل شد و گفت اهدای این جایزه به معنی تقدیس ادبیات است. امروز ثابت شد حرف او درست است و سویدن امروز در حالی که دارد یک قهرمان دوران ما یعنی جولیان آسانژ را نادیده می گیرد، به جای این که به او جایزه صلح نوبل را بدهد، جایزه ادبیات را به هاندکه می دهد.»

میها مازینی نویسنده اسلونیائی هم گفت: «برخی از نویسندگان روح انسانی خود را برای ایدئولوژی می فروشند، برخی برای نفرت، برخی برای پول و قدرت، اما کسی که بیش از همه به من توهین کرده هاندکه است که با حمایتش از حکومت میلوشوویچ از کشتار مردم دفاع کرد. هرگز فراموش نمی کنم زمستان سردی را که یوگسلاوی تکه تکه شد و هیچ چیز در فروشگاه ها و مغازه ها پیدا نمی شد. ما خانواده ای جوان بودیم و دخترم بسیار نوپا بود و به شدت سردش بود. تمام روز را در صف نفت ماندم و غروب تقریباً یخ زده شروع به خواندن مقاله هاندکه درباره یوگسلاوی کردم. نوشته او موجب حسادت من شد؛ در حالی که آن ها، اتریشی ها و المانی ها و دیگر

غربی ها در چرخه مصرف گرایی بودند ما یوگسلاوها داشتیم برای همه چیز صف می کشیدیم و می جنگیدیم.» در بیانیه ای که روز پنج شنبه منتشر شد جنیفر ایگان رمان نویس و پرزیدنت سازمان قلم آمریکا (پن)، گفت: «در حالی که انجمن قلم به طور کلی درباره جوایز ادبی و سایر نهادها اظهار نظر نمی کند، امروز باید یک استثنا باشد.»

وی افزود: «ما از انتخاب نویسنده ای که از صدای عمومی خود برای زیر پا گذاشتن حقیقت تاریخی استفاده کرده و از عاملان نسل‌کشی از جمله رئیس‌جمهوری سابق صربستان اسلوبودان میلوشویچ و رهبر صرب بوسنایی رادوان کارادزیچ دفاع کرده، متحیر شده ایم.»

وی تاکید کرده که حق نیست که برای نبوغ زبانی و ادبی به کسی جایزه داده شود که به طور مداوم از جنایت کاران جنگی دفاع کرده است و در زمانی که در جهان ناسیونالیسم، رهبری استبدادی و اطلاعات نادرست بیش از هر زمان دیگری وجود دارد، جامعه ادبی سزاوار چیزی بیش از این است.

دوستان سابق این نویسنده نیز به دلیل اظهارات سیاسی وی مدت هاست که از وی فاصله گرفته بودند از جمله رمان نویس جاناتان لیتل دوست سابق وی که سال ۲۰۰۸ نوشت: «وی شاید یک هنرمند عالی باشد، اما از نظر انسانی او دشمن من است. آلن فینکل کرات نیز او را یک «هیولای ایدئولوژیک» خوانده بود و سوزان سونتاک که چندین ماه در دوران جنگ بوسنی در سارایوو حضور داشت گفته بود حالا کار هاندکه در نیویورک تمام است.

هاندکه، به خاطر موضعی که در جنگ بالکان به نفع متهمان به کشتار جمعی و جنایت علیه بشریت اتخاذ کرد از همه سو مورد انتقاد قرار گرفت و معدودی هم با این استدلال که جایزه نوبل ادبی به خاطر آفرینش های هنری این نویسنده و شاعر اتریشی به وی اعطا شده و ربطی به مواضع سیاسی او نداشته، به دفاع از کمیته نوبل سویدن پرداختند.

وزیر فرهنگ صربستان در مصاحبه با خبرگزاری «تانیونگ» گفت: «هاند که باید مدت ها پیش جایزه ادبی نوبل را دریافت می کرد، اما سیاست تا به حال در تاخیر این تصمیم نقش بازی می کرد.»

اما «سایت آنلاین» در المان نوشت: «اعطای نوبل ادبی به هاندکه که کشتار جمعی در بوسنی هرسگوین را انکار کرده است، در کرواسی، آلبانی و بوسنی هرزگوین، موجی از خشم، اندوه و تمسخر به بار آورد.»

روزنامه «گاردین» چاپ لندن هم به نقل از «اسلوی ژیزک» فیلسوف سرشناس اسلونی نوشت: «کمیته نوبل سویدن را باید تعطیل کرد. یک ستایشگر جنایات جنگی، جایزه نوبل را دریافت می کند در حالی که سویدن سهم عمده ای در قتل شخصیت قهرمان واقعی دوران ما «ژولیان آسانژ» ایفا کرده است. به جای جایزه ادبی نوبل باید جایزه صلح نوبل به ژولیان آسانژ اعطا می شد.»

وزیر خارجه المان از حزب سوسیال دموکرات، از اعطای جایزه ابراز خرسندی کرد، اما «ولفگانگ ایشینگر» رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ، ضمن انتقاد از او، اقدام کمیته نوبل سویدن را ناشایست دانست.

«دیت سایت» فرازی از یک مقاله «یورگن بروکوف» کارشناس معروف زبان و ادبیات المانی در روزنامه «فرانکفورتر آلماینه» را نقل کرد که در آن نوشته است «گناه نهائی این نویسنده در حوزه سیاسی رخ نمی دهد، بلکه در حوزه ادبیات اتفاق می افتد.»

«جان برانت» نویسنده کتاب پر سروصدای «خانه ای در روستا، آپارتمانی در شهر»، در فیس بوک نوشت: «مسأله نوبل تنها به ادبیات مربوط نیست، بلکه برخورد نویسنده را نیز دربر می گیرد. به همین دلیل است که دیگرانی مثل «هاینریش بل» و «گونتر گراس» به خاطر مواضع سیاسی اجتماعی خود جایزه را دریافت کرده اند. جدا کردن این دو موضوع از یکدیگر را من نادرست و نامناسب می دانم.»

«پر لئو» نویسنده و تاریخ دان سرشناس المانی هم نوشته است: «خوشبختانه ادبیات خوب فقط به روحیه قهرمانان آن محدود نمی شود، بلکه باید هنگام خواندن همواره پیرسیم نویسنده چه روح و روانی دارد؟»

هاشم تاچی، رئیس جمهوری کوزوو، پس از اعلام برندگان جایزه نوبل ادبیات در توئیتر خود نوشت: «هاندکه انتخاب کرد که از عاملان نسل‌کشی در بوسنی و کوزوو دفاع کند. تصمیم جایزه نوبل برای قربانیان بی‌شمار (این نسل‌کشی) رنج عمیق به همراه آورده است.»

ادی راما، نخست‌وزیر آلبانی هم در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «من هیچ وقت فکر نمی‌کردم که به خاطر یک جایزه نوبل بالا بیاورم.»

او با «شرم آور» خواندن انتخاب پیتر هاندکه به عنوان برنده نوبل ادبیات، اضافه کرد که به نظر می‌رسد «بدنامی» به یک «ارزش جدید» تبدیل شده است: «نه، ما نباید به نژادپرستی و نسل‌کشی تا این حد بی‌اعتنا باشیم.»

شفیق جعفر وویچ، عضو شورای ریاست جمهوری بوسنی و هرزگوین نیز این انتخاب را «ننگین» خواند و با انتشار بیانیته‌ای نوشت که کمیته ادبی نوبل «از نظر اخلاقی کاملاً گمراه شده است.»

دینو مصطفیک، کارگردان بوسنیایی نیز در توئیتر نوشت: «هاندکه برنده جایزه نوبل، کشتار سربرنیتسا را انکار و در خاکسپاری میلو شویچ شرکت کرد.»

در کشتار سربرنیتسا، در عرض چند روز، هشت هزار مرد و پسر کشته شدند؛ کشتاری که دادگاه لاهه «نسل‌کشی» در نظر گرفت.

انجمن مادران سربرنیتسا، از آکادمی نوبل خواسته «هر چه زودتر» جایزه خود را از هاندکه پس بگیرد و تصمیم دیگری بگیرد.

نرمین تولیک، بازیگر بوسنیایی هم که در محاصره ساریوو از سوی نیروهای صرب به شدت زخمی شد، در توئیتر با گذاشتن علامت تهوع در کنار خبر اهدای جایزه نوبل به هاندکه این تصمیم آکادمی نوبل را محکوم کرد.

محاصره ساریوو در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ منجر به کشته شده یازده هزار نفر شد و طولانی‌ترین محاصره پایتخت یک کشور در تاریخ معاصر توصیف شده است.

دادگاه لاهه، نبوجسا پاکوویچ و ولادیمیر لازارویچ که مرتکب اقدامات خصومت‌آمیز از سوی نیروهای نظامی صرب در کوزوو شده‌اند را به جنایات جنگی محکوم کرد.

در پی ارتکاب نیروهای نظامی به فرماندهی این دو ژنرال سابق صربستان در خلال خشونت‌های ۱۹۹۹-۱۹۹۸، ده هزار کشته و تقریباً یک میلیون نفر آواره شدند.

دادگاه لاهه، هم‌چنین این دو نظامی سابق را به اقدامات تروریستی شامل قتل، تجاوز و بازگشت اجباری علیه شهروندان آلبانی در کوزوو محکوم کرد.

پاکوویچ به ۲۲ سال زندان محکوم شد و لازارویچ پس از ۱۴ سال محکومیت به صربستان بازگشته است.

رسانه‌های مختلف نیز به اهدای جایزه نوبل ادبیات به پیتر هاندکه واکنش منفی نشان داده‌اند.

کوها دیتوره (Koha Ditore)، مهم‌ترین روزنامه چاپ کوزوو، تیتر اصلی خود را به این موضوع اختصاص داد و آن را «بزرگ‌ترین رسوائی در استکهلم» توصیف کرد. این روزنامه نوشت که هاندکه در طول سال‌هایی که جنگ از اسلوانی به کرواسی و سپس به بوسنی هرزگوین و در نهایت به کوزوو رسید، «کورکورانه طرفدار صرب‌ها» بود.

این روزنامه نوشت این اقدام هاندکه در آلمان با «طرفداری از نازی‌ها» یک سان در نظر گرفته شد و او نه تنها ابراز پشیمانی نکرده بلکه همواره «ناسیونالیسم صرب» را ستایش کرده است.

هاندکه در سال ۱۹۹۶، یک سال پس از پایان جنگ کرواسی و بوسنی، پس از سفر به صربستان، مقاله‌ای با عنوان «عدالت برای صربستان» در دو شماره روزنامه المانی زدویچه تسایتونگ منتشر کرد که جنجال بسیاری به ویژه در داخل المان برانگیخت. این مقالات بعداً به صورت کتاب منتشر شدند.

هاندکه خبرنگاران رسانه‌ها در جنگ‌های بالکان را «سگ‌های جنگ» نامید که جانبدارانه به گزارش جنگ می‌پردازند و «شغل نوشتن خود را با قضاوت یا عوام‌فریبی مخلوط می‌کنند.»

در المان، پیتر اشنايدر اولین نویسنده المانی بود که این موضع‌گیری پیتر هاندکه را با نوشتن مقاله‌ای در نشریه اشپیگل محکوم کرد و نوشت هاندکه دارد «به تنهائی با نظر همه جهان» می‌جنگد و «پاسخ جدیدی برای مسؤلیت جنگ، جنایات جنگی و مجرمان» می‌یابد.

هاندکه معتقد بود که صرب‌ها نقش چندانی در شروع و ادامه جنگ نداشتند و جدائی‌طلبان و دیگر ملت‌های یوگسلاوی سابق آن‌ها را به سمت جنگ سوق دادند: «آیا آن کسی که جنگ را آغاز می‌کند، همانی است که مسبب جنگ است؟»

اما اشنايدر به هاندکه پاسخ داد که «تقریباً همه متجاوزان تاریخ، از جمله آدولف هیتلر که آخرین نفر نیست، می‌گویند که به تحریک و اکتش نشان داده‌اند.»

مارسل افولس، کارگردان فرانسوی نیز با چاپ مقاله‌ای در شماره ۲۲ ژانویه همان سال در یک روزنامه برلینی، از هاندکه درباره خواست که به گزارش‌ها درباره کشته شدن حدود چهار روزنامه‌نگار در جنگ بالکان توجه کند. مارسل افولس برخلاف هاندکه، طرفدار خبرنگاران جنگ بود و فیلمی را نیز برای ستایش کار خبرنگاران در زمان محاصره ساریوو ساخت.

جنجالی که پیتر هاندکه ساخته بود، خیلی زود از مرزهای المان عبور کرد و به دیگر مناطق اروپا گسترش یافت و به صرب‌ها اجازه داد که از «جنایات المان علیه صرب‌ها در دو جنگ جهانی» بگویند که «دیگر در المان فراموش شده است.»

در آن زمان، المان برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم، در چارچوب ناتو وارد منازعات منطقه بالکان شده بود.

انتقادها علیه هاندکه به حدی اوج گرفت که حتی روزنامه «فرانکفورتر آگماینه تسایتونگ»، نوشت پیتر هاندکه در سفرش به صربستان «در جست‌وجوی المان» بود؛ المانی که «قدیمی بود، واقعی، جنگجو.»

هاندکه هیچ‌گاه از مواضع خود عقب‌نشینی نکرد. او در خاک سپاری میلوشوویچ در سال ۲۰۰۶ شرکت کرد و در سخنانی به کنایه گفت: «این به اصطلاح جهان، همه چیز را درباره یوگسلاوی و صربستان می‌داند. به اصطلاح جهان همه چیز را درباره میلوشوویچ می‌داند. و به همین دلیل است که به اصطلاح جهان، امروز این‌جا غایب است.»

این اظهارات هاندکه بار دیگر واکنش محافل فرهنگی و روشنفکری اروپا را برانگیخت. مدیریت کمدی - فرانسز، مهم‌ترین سالن تئاتر در پاریس، اجرای یکی از تئاترهای هاندکه را که برای سال ۲۰۰۷ برنامه‌ریزی شده بود، لغو کرد.

در همان سال، در دوسلدورف، جایی که جایزه هاینریش هاینه اهدا می‌شود جنجال به پا شد. این جایزه آن سال به هاندکه تعلق گرفت اما شورای شهر دوسلدورف از اهدای آن خودداری کرد. هم‌زمان دو عضو هیأت داوران این جایزه در اعتراض به انتخاب هاندکه کناره‌گیری کردند. بالاخره خود هاندکه تصمیم گرفت این جایزه را قبول نکند.

در فرانسه نیز نشریه «نول آبرواتور» در ششم آوریل ۲۰۰۶ مطلبی را علیه شرکت هاندکه در خاک سپاری میلو شویچ منتشر کرد، اما دادگاه پاریس این نشریه را به خاطر بی حرمتی به این نویسنده به پرداخت جریمه نمادین یک یورو محکوم کرد.

در سال ۲۰۱۱ نیز وقتی جایزه ۲۵ هزار یوروی «کاندید» در فرانسه به این نویسنده تعلق گرفت، گروه صنعتی کلبوس که حامی مالی این جایزه بود، از پرداخت این مبلغ به هاندکه خودداری کرد.

با این حال، هاندکه در این سال ها حامیانی نیز داشت. اصلی ترین حامیان سیاسی این نویسنده در خود صربستان بودند. او در سال ۲۰۱۲، به عضویت آکادمی علوم و هنرهای بلگراد انتخاب شد.

هم چنین زمانی که اجرای تئاتر هاندکه در پاریس لغو شد، هنرمندان و نویسندگانی چون امیر کوستوریتسا و پاتریک مودیانو از او حمایت کردند.

در همین حال رسانه های صرب از این انتخاب حمایت کردند و از هاندکه به عنوان دوست بزرگ خود یاد کردند. رئیس جمهوری اتریش نیز از قلم هاندکه به عنوان چیزی تکرار نشدنی و یگانه یاد کرد و از وی برای همه تلاش هایش تقدیر کرد.

در معرفی پیتر هاندکه عنوان شده است: هاندکه در ۶ دسامبر ۱۹۴۲ در منزل پدر بزرگ خود در شهر گریفن استان کرنتن متولد شد. در دوسالگی با مادر خود به المان شرقی رفت و به مدت چهار سال در آنجا اقامت کرد. او در سال ۱۹۴۸ به اتریش و به شهر گریفن بازگشت. در سال ۱۹۶۱ از مدرسه فارغ التحصیل شد و در همان سال وارد دانشگاه شهر گراتس و در رشته حقوق مشغول به تحصیل شد. در سال ۱۹۶۷ اولین رمان خود را به نام «حیوان خانگی» نوشت.

از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ در پاریس و دوسلدرف و از سال ۱۹۷۱ تا سال ۱۹۷۸ در شهر پاریس زندگی کرد. سال ۱۹۷۹ به اتریش بازگشت و تا سال ۱۹۸۷ در اتریش بود. از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۰ حدود چهار سال در مسافرت به دور دنیا بود. از سفرهای او می توان به امریکا، مصر، ژاپن، یونان و ... اشاره کرد. پیتر هاندکه از سال ۱۹۹۰ تا به امروز در حاشیه شهر پاریس زندگی می کند.

او بیش از ۴۰ جایزه داخلی و بین المللی دریافت کرده و در حدود ۵۰ اثر ترجمه کرده است. پیش تر نیز جوایز ادبی دیگری نظیر جایزه «کافکا» و جایزه «گئورگ بوشنر» را از آن خود کرده است. از تالیفات مشهور هاندکه می توان به «ترس دروازه بان از پنالتی»، «بر فراز دهکده ها»، «زن چپ دست»، «بیمودن دریاچه کنستانتس» و ... اشاره کرد.

بعضی از آثار او، به عنوان فیلم نامه استفاده شده است؛ مانند «ترس دروازه بان از پنالتی» در سال ۱۹۷۰، «حرکت اشتباه» در سال ۱۹۷۵ و «آسمان بالای برلین» در سال ۱۹۸۷ که هر سه به کارگردانی ویم وندرس ساخته شده اند.

از او آثاری به زبان فارسی برگردانده شده از جمله توسط علی اصغر حداد، مترجم المانی به فارسی. هم چنین بخشی در کتاب «سودازدگان سرزمین موسیقی و شعر» اثر تورج رهنما، که موضوع آن «آشنائی با نویسندگان و شاعران امروز اتریش» است به پیتر هاندکه اختصاص داده شده است.

آکادمی نوبل اعطای جایزه به هاندکه را به این طریق توجیه کرده است که او «برای یک کار تاثیرگذار، که با نبوغ زبانی، پیرامون و ویژگی های تجربه های انسانی را بررسی می کند» مستحق این جایزه است. در این اطلاعیه هم به کار او به عنوان نویسنده داستان و هم به عنوان نمایشنامه نویس اشاره شده است.



اکنون نیز آکادمی نوبل نشان داد که به موضع گیری های سیاسی هاندکه، اهمیتی نداده است. خود پیتر هاندکه زمانی خواهان برچیدن نوبل ادبیات شده و گفته بود نوبل برای برنده آن «قدیس سازی دروغین» به همراه می آورد اما پس از اعلام اهدای جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۱۹ به او، تصمیم آکادمی نوبل را «بسیار شجاعانه» خواند و از آن استقبال کرد.

وی در سال ۲۰۱۴، در مصاحبه با یک از رسانه های اتریشی اظهار کرده بود: «جایزه نوبل ادبیات با تقدیس کاذب نویسنده، یک لحظه توجه و شش صفحه در روزنامه همراه می شود. جایزه نوبل ادبیات بالاخره باید منسوخ شود. این جایزه ای است که شما را اذیت می کند و آن گاه شما خود را اذیت می کنید چون به آن فکر می کنید. این بسیار بی ارزش است.»

زمانی که «هاندکه» در سال ۲۰۱۴ برای دریافت جایزه «ایبسن» به نروژ رفت تعدادی با پلاکاردهائی با عنوان فاشیست و انکار کننده نسل کشی از او استقبال کردند.

پیتر هاندکه که اکنون ۷۶ سال دارد و در حومه پاریس زندگی می کند. او چند سال پیش درباره جنجال هائی که درباره موضع گیری اش در جنگ های بالکان به وجود آمده، گفت: «برای حرف زدن در این باره، باید زمانش فرا رسد. طرف مقابل هم باید گوش شنوا داشته باشد تا این که گفت و گو به یک جدل ایدئولوژیک ملال انگیز تبدیل نشود. همان طور که گوته گفته باید چرخ درد و شادی در سینه بچرخد. آن وقت می توانیم درباره اش حرف بزنیم.»

پیش تر، آکادمی سویدن قول داده بود که امسال می خواهد از گذشته «مرد محور» و «اروپا محور» خود فاصله بگیرد. به این ترتیب، مسلما در حالی که هر دو برنده انتخابی اش اروپائی و یکی از آن ها مرد هستند به هیچ وجه این مسأله تحقق پیدا نکرد.

مخصوصا پیتر هاندکه طی دهه های گذشته شخصیتی بسیار جنجالی بوده و توسط بسیاری از هم تیان خود هم محکوم شده است.

اما غیر از فاکتور اروپائی بودن، انتخاب توکارچوک با تحسین مواجه شد. او تا حدودی دقیقا نقطه مقابل هاندکه است. او هم در آثار خود هم در زندگی اش خارج از دنیای ادبیات جهت گیری های سیاسی دارد که باعث خشم راست گرایان افراطی مخصوصا در پولند شده است.

بعد از این که توکارچوک برنده جایزه نایک شد که معادل جایزه بوکر پولند است، به شدت باعث خشم «نژادپرستان» و گرایشات ناسیونالیست شد چون در یک مصاحبه تلویزیونی گفت با وجود این که پولند خودش را به عنوان یک قربانی سرکوب به نمایش می گذارد، خودش تا به حال مرتکب «حرکاتی هولناک» از استعمار در طول تاریخ شده است. بعد از آن خیلی ها او را خائن خواندند و به این ترتیب ناشرش مجبور شد برای او «بادی گارد» استخدام کند.

با مروری بر مشخصات برندگان جایزه نوبل ادبیات و آثار آنان، درمی یابیم که از نظر ملیت، نویسندگان و شاعران فرانسوی به دفعات بیش تری جایزه نوبل ادبی را از آن خود کرده اند، به طوری که آنان توانسته اند پانزده بار این جایزه را به دست بیاورند.

پس از فرانسوی ها، امریکائی ها و بریتانیائی ها با ۱۲ و ۱۱ نوبل ادبی در جایگاه دوم و سوم قرار دارند. آلمان، سویدن، اسپانیا و ایتالیا هم در رتبه های بعدی هستند.

از نظر زبان هم، این زبان انگلیسی است که بر جایزه نوبل ادبیات مسلط است؛ به طوری که یک چهارم جوایزی که اهدا شده، به نویسندگان و شاعران انگلیسی زبان بوده است.



پس از انگلیسی، زبان های فرانسوی، آلمانی و اسپانیایی بیشترین جایزه را به دست آورده اند و سوئدی، زبان داوران آکادمی نوبل، که فقط ده میلیون نفر متکلم دارد، در رتبه پنجم است.

برخی بر این عقیده اند که اگر هم نوبل اکنون اعتباری دارد به واسطه اهدای جایزه به نویسندگان بزرگی چون آلبر کامو، ژان پل سارتر، رومن رولان، ویلیام فاکنر، ارنست همینگوی، جان اشتاین بک، گابریل گارسیا مارکز، توماس مان، هرمان هسه، روزه مارتین دوگار، ویلیام گولدینگ، ساموئل بکت و... است.

از جمله معروفترین چهره های ادبی که موفق به دریافت جایزه ادبی نوبل نشدند، از جیمز جویس، مارسل پروست، نیکوس کازانتزاکیس، آنتوان چخوف، لئو تولستوی، جورج اورول، جی.دی. سلینجر، فرانتس کافکا، ویرجینیا وولف و آلن رابگریه می توان نام برد.

این جایزه یکی از چند جایزه ای است که بنا بر وصیت «آلفرد برنهارد نوبل» (۱۸۳۳-۱۸۹۶) شیمیدان سوئدی، به وجود آمد. نوبل که با اختراع دینامیت و باروت بدون دود (نیتروگلیسرین) ثروت سرشاری عایدش شده بود، وقتی مشاهده کرد که از اختراع او، برخلاف انتظارش، برای افزایش قدرت سلاح های جنگی و آدم کشی استفاده می شود، سخت متاثر و نگران شد و تمام سرمایه و دارائی خود را وقف پاداش به برگزیدگان علم و ادب و صلح جهان کرد.

بنابر وصیت نامه نوبل، از درآمد سرمایه نه میلیون دلاری او، پنج جایزه در رشته های فیزیک، شیمی، پزشکی، ادبیات و صلح به وجود آمد تا هر سال به مردان و زنانی، صرف نظر از ملیت آن ها اعطاء شود که خدمات ارزنده ای به «نفع بشریت» انجام داده باشند. این جوایز نخستین بار در سال ۱۹۰۱ به برگزیدگان اعطاء شد. در ۱۹۶۹ هم جایزه ای برای علوم اقتصادی شکل گرفت.

جایزه نوبل ادبیات به شخصی تعلق می گیرد که در زمینه ادبیات، برجسته ترین اثر - با ماهیت معنوی - را آفریده باشد. این جایزه شامل مدال طلا، دیپلم و مبلغی پول است که مبلغ آن از ۴۲ هزار دلار در ۱۹۵۳ به یک میلیون و ۴۰۰ هزار دلار در ۱۹۹۳ افزایش یافته است.

جایزه در دسامبر هر سال، همزمان با سالگرد مرگ «نوبل» توسط آکادمی سوئدن در استکهلم، با حضور پادشاه سوئدن، اعطا می شود.

معمولا هم جایزه به مجموع آثار چاپی نویسنده تعلق می گیرد، نه به یک اثر خاص. گاهی هم جایزه به دو یا سه نویسنده به طور مشترک داده می شود. در بعضی از سال ها هم ممکن است جایزه بدون برنده یا معوق بماند. در سال های جنگ جهانی دوم، در فاصله سال های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۳ و سال گذشته، جایزه ادبیات به کسی داده نشد.

از مجموع ۱۰۵ برنده نوبل ادبیات در سال های گذشته، تنها ۲۷ نفر غیراروپایی بوده اند و حتا کشوری چون سوئدن بیش تر از همه قاره آسیا سابقه کسب نوبل ادبیات را دارد. اظهارات سال گذشته هوراس انگداهل - دبیر وقت آکادمی نوبل - که اروپا را محور اصلی جهان ادبیات دانسته بود، به نظر توجیهی برای این جهت گیری های جغرافیایی است.

نویسندگان فرانسوی با ۱۵ بار کسب نوبل ادبیات، پیش تاز بلامنازع هستند. ژان ماری گوستاو لوکلزیو آخرین نماینده ادبیات فرانسه بود که موفق به دریافت این جایزه شد. رومن رولان، آنا تول فرانس، آندره ژید، آلبر کامو، ژان پل سارتر و کلود سیمون از سرشناس ترین فرانسوی های این فهرست هستند.

پس از فرانسه، آمریکا و انگلستان هر يك با ۱۰ جایزه نوبل مشترکا در رتبه دوم قرار دارند. آمریکا برای کسب اولین جایزه نوبل ادبیات سه دهه انتظار کشید تا سینکلر لوئیس در سال ۱۹۳۰ آن را کسب کرد. تونی موریسون نیز آخرین آمریکائی بود که ۱۷ سال قبل این جایزه را به دست آورد.

المان ۸، سویدن ۷، ایتالیا ۶، اسپانیا ۵، پولند ۴، ایرلند ۴ و شوروی سابق ۳ دیگر کشورهائی هستند که به دفعات جایزه نوبل ادبیات را کسب کرده اند. این در حالی است که قاره پهناور آسیا، تنها در سه دوره که دوبار آن توسط ژاپن در سال های ۱۹۶۸ و ۱۹۴۴ و يك بار آن توسط هند در سال ۱۹۱۳ بود، این افتخار را کسب کرده است. جوان ترین برنده جایزه نوبل ادبیات طی چند دهه گذشته، رودیارد کیپلینگ انگلیسی است که در سال ۱۹۰۷ در حالی که ۴۲ سال داشت، این جایزه را به دست آورد. در سوی مقابل، دوریس لسینگ انگلیسی در سال ۲۰۰۷ در حالی که ۸۸ ساله بود، نوبل ادبیات را کسب کرد تا پیرترین برنده این جایزه نام بگیرد.

یکی از موارد قابل توجه در تاریخ برگزار جایزه نوبل ادبیات، شمار معدود نویسندگان زن است؛ به طوری که طی ۱۰۱ سال برگزاری این جایزه، فقط ۱۲ نویسنده زن نوبل ادبیات را کسب کرده اند. سلما لاگرلوف سویدی اولین زنی بود که در سال ۱۹۰۹ موفق به کسب نوبل ادبیات شد. دیگر نویسندگان و شاعران زن برنده نوبل ادبیات عبارتند از: گراتزیا دلدا (ایتالیا ۱۹۲۶)، زیگرید اوندست (نروژ ۱۹۲۸)، پرل باک (آمریکا ۱۹۳۸)، گابریلا میسترال (شیلی ۱۹۴۵)، نلی ساچز (سویدن ۱۹۶۶)، نادین گوردیمر (آفریقای جنوبی ۱۹۹۱)، تونی موریسون (آمریکا ۱۹۹۳)، ویسلاوا شیمبورسکا (پولند ۱۹۹۶)، الفریده جلینک (اتریش ۲۰۰۴) و دوریس لسینگ (انگلیس ۲۰۰۷)، هرتا مولر (المان ۲۰۰۹)

تاکنون فقط يك بار در سال ۱۹۳۱، جایزه نوبل ادبیات بعد از مرگ يك نویسنده به وی اعطا شده است. اریک آکسل کارلفلدت در این سال در حالی که در قید حیات نبود، برنده نوبل ادبیات انتخاب شد. البته آکادمی نوبل پس از آن در سال ۱۹۷۴ اعلام کرد دیگر هیچ نویسنده ای بعد از مرگ، برنده این جایزه نخواهد بود؛ مگر آن که بعد از اعلام آکادمی نوبل در گذشته باشد.

در تمام دوره های برگزاری جایزه نوبل ادبیات، تنها دو نفر از دریافت این جایزه ارزشمند خودداری کرده اند. بوریس پاسترناک، خالق کتاب دکتر ژوآگو در سال ۱۹۵۸ و ژان پل سارتر فرانسوی نیز در سال ۱۹۶۴ به علت این که به این عنوان رسمی اعتقاد نداشت، نوبل ادبیات را نپذیرفت.

تاکنون تنها در چهار دوره از جوایز نوبل ادبیات، هم زمان بیش از يك نفر به عنوان برنده معرفی شده اند که البته وقوع آن بیش تر در دیگر شاخه های جایزه نوبل متداول است. در سال ۱۹۰۴، فردریک میسترال فرانسوی و خوزه اچه گارای اسپانیائی، در سال ۱۹۱۷ کارل آدولف گیلروپ و هنریک پونتوپیدان هر دو از دانمارک، در سال ۱۹۶۶ شموئل یوسف آنیون اسرائیلی و نلی ساچز سوئیس و در سال ۱۹۷۴ ایویند جانسون و هری مارتینسون هر دو از سویدن مشترکا جایزه نوبل ادبیات را دریافت کرده اند. با این حال، هیچ نویسنده یا شاعری بیش از يك بار این جایزه را کسب نکرده است.

حیرت انگیزترین انتخاب آکادمی نوبل در شاخه ادبیات، به عقیده بسیاری، وینستون چرچیل است که در سال ۱۹۵۳ به این عنوان دست یافت. او در واقع برای جایزه صلح نوبل نامزد بود که به عنوان برنده نوبل ادبیات معرفی شد.

آکادمی سویدن، که تعیین کننده جایزه نوبل ادبیات نیز هست، در سال ۲۰۱۸ اعلام کرد که پس از ۷۵ سال اعطای این جایزه، برای نخستین بار، نوبل ادبیات را در این سال اهدا نشد.

رسوایی آکادمی سویدن، این چنین آغاز شد که ژان کلود آرنو، کارگردان و همسر کاتارینا فروستنسون یکی از اعضای کمیته داوری جایزه نوبل ادبیات بر اساس گزارش رسانه‌های سویدن، طی سال‌های اخیر ۱۸ زن را که عضو آکادمی یا همسر و دختر اعضای آکادمی سویدن بوده‌اند مورد آزار یا سوء استفاده جنسی قرار داده است.

به جز این آرنو هفت بار نام برندگان آتی جایزه نوبل ادبیات را که باید مخفی می‌ماندند را لو داده و هم چنین برای گرداندن یک کلوب فرهنگی که خود سرپرست آن بوده، از پول‌های آکادمی استفاده کرده است. ژان کلود آرنو در آغاز ماه دسامبر ۲۰۱۸ در دادگاه عالی سویدن به جرم تجاوز به دو سال و نیم حبس محکوم شد.

آکادمی نوبل، هم چنین خانم فروستنسون را متهم کرد که نام برندگان جایزه نوبل ادبیات را با همسرش در میان می‌گذاشته؛ در حالی که این خلاف قاعده «رازداری» در نوبل محسوب می‌شود. در پی این رسوایی، اصلاحاتی در آکادمی نوبل سویدن انجام گرفت، ولی سال گذشته هیچ نویسنده‌ای به عنوان برگزیده جایزه ادبیات نوبل معرفی نشد. اگر هم احتمالاً در جریان نیستید، جایزه نوبل ادبیات از سال ۱۹۰۱ میلادی هر ساله به یک هنرمند در حوزه هنرهای غیر بصری اعطا می‌شود. اسامی برندگان این جایزه نیز روز دهم دسامبر هر سال هم‌زمان با سال روز درگذشت بنیان‌گذار آن، «آلفرد نوبل» در استکهلم اعلام می‌شود.

کمیته ادبی نوبل از کمیته‌های مختلفی تشکیل شده است: تاریخ ادبیات، زبان‌شناسی، ادبیات مدرن و ادبیات کلاسیک. پنج‌نفری که کمیته انتخاب نویسنده سال را تشکیل می‌دهند، همگی از استادان ادبیات و زبان، شاعر و یا نویسنده‌اند. در سال ۲۰۱۹، شورای نظارت نوبل پنج نویسنده و زبان‌شناس را هم از خارج کمیته نوبل به روند انتخاب برنده جایزه اضافه کرد، اما تصمیم نهایی هم‌چنان با پنج عضو اصلی کمیته انتخاب است. آن‌ها نام نویسنده‌ای را که نامزد دریافت نوبل ادبی است به یک شورای ۱۸ نفره اعلام می‌کنند. شورا این نویسنده را به رای می‌گذارد. امسال ژیللا مساعد شاعر و نویسنده ایرانی در تبعید و ساکن گوتنبرگ سویدن، به عنوان عضو تازه آکادمی نوبل، عضو این شورا است. تاکنون نام هیچ نویسنده یا شاعر ایرانی در فهرست نامزدان نوبل ادبی قرار نگرفته است. البته برخی دلیل آن را ضعف ترجمه آثار ادبی فارسی به زبان‌های اصلی در جهان می‌دانند که ادبیات ایران تاکنون از نوبل ادبی بی‌نصیب مانده است.

نوامبر ۲۰۱۸ به دنبال اوج‌گیری کارزار «می‌تو» در سویدن، ۱۸ زن، ژان کلود آرنو، یکی از شخصیت‌های شناخته‌شده فرهنگی در سویدن و صاحب یک کلوب ادبی را به آزار جنسی متهم کردند. ژان کلود آرنو عضو آکادمی نوبل نبود اما همسرش کاتارینا فروستنسون، عضو آکادمی نوبل است.

یک شنبه بیست و یکم مهر [میزان] ۱۳۹۸ – سیزدهم اکتوبر ۲۰۱۹